

رویکرد دفاع فرهنگی - اجتماعی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری

سعید زمانی

حسین علی رضائی

چکیده: انقلاب اسلامی ایران انقلابی فرهنگی بود. این انقلاب چون انفجار نوری در سرتاسر جهان ساطع گردید به نحوی که پیام آن برای تمام انسان‌های حق‌جو ارسال و به مرور زمان دریافت شد. انقلابی با چنین عظمتی که خود پیام‌آور ظلم‌ستیزی و مبارزه با هر نوع بی‌عدالتی است، از بدو حیات تاکنون با دشمنان متعددی در ابعاد و عرصه‌های مختلف روبه‌رو بوده است. گاه در زمانی به حذف فیزیکی و ترور اندیشمندان پایه‌گذار انقلاب دست زده و گاه به ترور اندیشه‌ها در قالب هجمه فرهنگی در مبادی و مبانی فرهنگی و ارزشی اسلامی - ایرانی اقدام نموده و این سیر همچنان ادامه دارد. اما باید در نظر داشت که این انقلاب براساس سنت حضرت حق احیا و به ثمر رسیده و نمایندگان به حق او چون امام راحل (ره) و امام حاضر با تدابیر داهیانیه خود در ابعاد مختلف به ویژه بُعد فرهنگی از انقلاب اسلامی در برابر بسیاری از هجمه‌ها پاسداری نموده‌اند. با توجه به گذر زمان و علی‌رغم پیچیده‌تر شدن ابزارها، پیام‌ها، روش‌ها و تاکتیک‌های دشمن، به حول و قوه الهی انقلاب اسلامی به مسیر تکاملی خود ادامه می‌دهد.

با این وصف نگارندگان این نوشتار ضمن بررسی ابعاد مختلف دفاع، با متمرکز شدن بر بُعد فرهنگی - اجتماعی به بیان برخی از تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، در این عرصه می‌پردازند.

کلیدواژگان: فرهنگ، دفاع، دفاع فرهنگی - اجتماعی، تدابیر رهبری

۱- مقدمه

سی سال از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و در طول این ایام این انقلاب در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و از همه مهم‌تر فرهنگی گرچه آماج حملات دشمنان اسلام بود، اما با اراده راسخ و قوی مردم و رهنمودهای رهبری فرزانه انقلاب و توکل به خداوند از تمامی امتحانات سربلند و پیروز بیرون آمد.

فرهنگ از مهم‌ترین و پرکاربردترین مفاهیم در علوم اجتماعی است. کسب چنین رتبه و جایگاهی در نظر و عمل، مرهون تجارب متعدد در دوره جدید برای شناسایی متغیرهای کلیدی در تحولات جوامع انسانی است. از آنجا که «فرهنگ» دارای جلوه‌های ملموس و غیر ملموس بوده و از قدمتی بسیار طولانی در حیات بشر برخوردار است، توجه محوری به آن با تأخیر فراوان صورت گرفته و همین واقعیت، پیامدهای منفی در هدایت و کنترل جوامع مختلف داشته است. امروزه «فرهنگ» به مثابه یکی از ارکان حیات اجتماعات انسانی تلقی می‌شود که در کنار سایر حوزه‌های سیاسی - اقتصادی، دارای کارکرد و اهمیت خاص خود است. رشد فزاینده رشته‌های علمی و تجربه تفکیک تخصص‌ها در سطحی وسیع، معایب رویکردهای تجزیه محور را در فهم و تبیین تحولات جوامع انسانی آشکار ساخته و نگرش‌های ترکیبی و تلفیقی در نظریه‌های علوم اجتماعی مورد اقبال تدریجی قرار گرفته‌اند. فرهنگ هر ملت تشکیل‌دهنده هویت آن است. برای حفظ استقلال و آزادی یک ملت باید ارزش‌ها و باورهای آن ملت زنده نگه داشته شود، در غیر این صورت آن ملت مورد استثمار ملت‌های متجاوز قرار خواهد گرفت. به منظور حفظ و زنده نگه داشتن فرهنگ یک ملت، باید سپری بر فرهنگ کشید و آن سپهر چیزی نیست مگر دفاع همه‌جانبه در حوزه فرهنگی.

جامعه ایران در طول تاریخ از بین ادیان مختلف، بهترین دین و در بین مذاهب اسلامی، مذهب شیعه را برگزید و این نشان‌دهنده درک عمیق این مردم است. دفاع از این اجتماع با فرهنگ اصیل اسلامی-ایرانی امری است که به نوعی در تمام سخنان زعیم این قوم یعنی امام خامنه‌ای بیان شد و البته جزء دغدغه‌های اصلی ایشان بوده است. مطالعه موردی از بیانات ایشان و تحلیل محتوا در راستای شناخت و دریافتن دیدگاه‌های ایشان نسبت به موضوع فرهنگ و جامعه موجب شده است تا نویسندگان این نوشتار به این امر بپردازند.

رویکرد امام خامنه‌ای با تأسی از امام راحل (ره) با دو شیوه دفعی و رفعی همراه بوده است؛ آنگاه که جامعه را با هجمه عظیمی از تهاجمات فرهنگی در حوزه‌های مختلف مبنایی، ارزشی و رفتاری مواجه می‌دیدند به دفاع پرداخته و هرگاه دریافتند که ساحت داخلی فرهنگ و جایگاه فرهنگ اصیل اسلامی-ایرانی با کارکرد انسجام و هویت‌بخشی، دچار آسیب و ضعف است با رویکرد رفعی، سعی در اتخاذ تدابیری برای برطرف شدن و حذف ضعف‌ها نمایند. ایشان همواره این تدابیر را طی سخنانی خطاب به طیف مختلف نخبگان، وکلای سیاسی، اتحاد مردم و نیروهای مسلح و البته نهادها و سازمان‌های مسئول در امر فرهنگ و اجتماع بیان داشته‌اند. و البته این یک واقعیت است که در دفاع از فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلام و انقلاب، رجوع به سنت بلاشک حضرت حق، انسان را به این حقیقت رهنمون می‌شود که: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتِ صُلُوعٌ وَبِيعَ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ لَنْ يَنْصُرَهُ إِلَّا اللَّهُ لَقَوَىٰ غَزَبُ» (حج/۴۰).

۲- چیستی فرهنگ

«فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است... فرهنگ سابه‌ای است از نبوت» (صحیفه نور، ج ۶: ۲۳۷-۲۳۶). حضرت امام (رحمت‌الله) در فرازی فرمودند: «فرهنگ، اساس

ملت است؛ اساس ملت یک ملت است؛ اساس استقلال یک ملت است و لهذا آنها کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند... با تبلیغات خودشان ماها را ترسانند که از خودمان می‌ترسیدیم؛ به خودمان اعتماد نداشتیم. اگر یک کسی مریض می‌شد، می‌گفتیم باید برود خارج؛ در صورتی که طبیب داشتیم... باید ارتش ما را خارجی‌ها اداره کنند؛ باید نفت‌مان را خارجی‌ها بیایند اداره کنند... مغزهای ما را شست‌وشو کردند. اعتماد به نفس را از بین بردند (همان، ج ۶، ص: ۴۰).

همچنین امام خامنه‌ای می‌فرمایند: درست است که مقوله فرهنگ در موارد زیادی شامل رفتارها هم می‌شود، لیکن اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیقات فردی و خلیقات اجتماعی و ملی (۷۹/۹/۱۹). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیت‌هاست؛ یعنی آن ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند - تسریع یا کند می‌کند (۷۸/۹/۲۳).

حال این فرهنگ دارای چه کارکردی است؟ کارکرد فرهنگ تأمین نیازهای درونی و بیرونی انسان است، تا زندگی را امنیت و تداوم بخشد (وایت، ۱۹۷۳: ۵۷) و از نگاه پارسونز، کارکرد اساسی فرهنگ همانا ایجاد ارتباط جمعی است (پارسونز، ۱۹۵۱: ۳۲۷).

در تعاریف نظری اندیشمندان عرصه علوم اجتماعی و فرهنگی از فرهنگ، به مواردی بر می‌خوریم مانند: فرهنگ، نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی است که به طرز گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۰).

اندیشمندان؛ فرهنگ را روش زندگی گروهی از مردم دانسته‌اند که از یک نسل به نسل دیگر از طریق آموختن منتقل می‌شود (Weaver, ۱۹۹۶ b: ۱). این تعریف به گونه‌ای کلی و اجمالی، حدود مفهوم فرهنگ را بیان می‌کند. فرهنگ

روش زندگی گروهی از مردم است که در برگیرنده الگوهای رایج تفکر و رفتار شامل: ارزش‌ها، اعتقادات، قواعد رفتار، نظام سیاسی، فعالیت اقتصادی و مانند آن است که از نسلی به نسل دیگر از طریق آموختن و نه از راه توارث زیستی انتقال می‌یابد (Kuper, ۱۹۵۸: ۱۷۸).

شاین، فرهنگ را الگویی از مفروضات اساسی می‌داند که یک گروه اجتماعی برای حل دو مساله بنیادین، تطابق با محیط بیرونی (شیوه ادامه بقا) و ایجاد انسجام درونی (شیوه در کنار هم ماندن) خلق، کشف یا ایجاد کرده است (Schein, ۱۹۸۵: ۱۷).

رشاد در بیان فشرده‌ای، فرهنگ را جهان زیست نافیژیکی جمعی انسان می‌داند و معتقد است که فرهنگ مثل اتمسفر، فضای تنفسی و تجربی حیات جمعی آدمیان است (نشریه مهندسی فرهنگی شماره ۵۸۳۱: ۶).

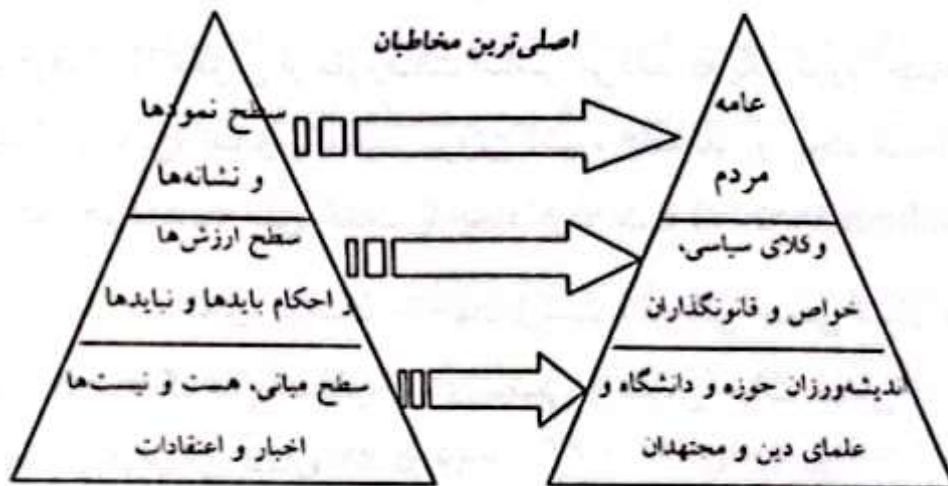
مدل مفهومی شماره ۱ - برای تحلیل و دسته‌بندی کردن بیانات مقام معظم رهبری

سطح آشکار فرهنگ (سطح کالبدی) زبان، داستان‌ها، اسطوره‌ها، شعائر، لباس، قهرمانان زن و مرد، مراسم و تشریفات و ... در کل رفتارها

سطح غیر قابل رویت فرهنگ (سطح محتوایی) ارزش‌ها، باورها، نرم‌ها، نگرش‌ها، احساسات، مفروضات و ... در کل مبانی

تعلق گروهی و خودآگاهی جمعی و فردی را هویت فرهنگی گویند. هویت فرهنگی، بین خودی و غیرخودی مرزبندی می‌کند. اشتراک در فرهنگ و اجزا و عناصر فرهنگی عامل اصلی مرزبندی بین گروه‌ها و مجموعه‌های مختلف انسانی و مشخص‌کننده روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی آنها است (والرشتاین، ۱۹۹۰: ۳۱-۳۲ & گی روشه، ۱۳۷۰: ۱۲۶). این به معنی اخذ صبغه خاصی است که انسان‌ها از طریق فرهنگ‌پذیری در خود درونی می‌کنند.

در تحلیل محتوا از کلام ولایت در عرصه دفاع فرهنگی - اجتماعی ایران اسلامی می‌توان از ابعاد مختلف و در مدل‌های متعدد به دسته‌بندی پرداخت، یکی از این مدل‌ها بهره‌گیری از نوع پیام و طرف مخاطبان اخذ پیام است.



مدل مفهومی شماره ۲ - برای تحلیل و دسته‌بندی کردن بیانات مقام معظم رهبری

از نظر مقام عظمای ولایت فرهنگ مایه اصلی هویت ملت‌هاست. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفت‌هایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ای در مجموعه بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند. ایشان فرهنگ کشور را در سه عرصه مهم و عام مشاهده می‌کنند:

اول) در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است؛ یعنی فرهنگ به عنوان جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان کشور، حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا در تولید، نقش دارد. وقتی ما می‌خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع، با این کار، داریم فرهنگی را ترویج یا تولید می‌کنیم یا

اشاعه می‌دهیم. وقتی تولید اقتصادی هم می‌کنیم، در واقع، داریم از این طریق، فرهنگی را تولید می‌کنیم؛ اشاعه می‌دهیم یا اجرا می‌کنیم. اگر در سیاست خارجی، مذاکره‌ای می‌کنیم و تصمیمی می‌گیریم، عیناً همین معنا وجود دارد.

در نتیجه، فرهنگ، مثل روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کلان کشوری، حضور و جریان دارد. «فرهنگی که باید در تولید، خدمات، ساختمان‌سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیم‌های امنیتی، رعایت شود و حدود را معین و جهت را مشخص کند، چیست؟ این باید در اینجا معین شود؛ بنابراین، فرهنگ، جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان کشور است؛ این در واقع، اهمیت و بنا گذاشتن یک مبنای فرهنگی را در اینجا به ما نشان می‌دهد» (۱۳۸۱/۰۹/۲۶).

دوم) به عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است؛ حرکت جامعه، بر اساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه، بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن حاکم است. دولت و دستگاه حکومت، نمی‌تواند از این واقعیت مهم، خود را کنار نگه دارد. وقتی مردم در خانواده، ازدواج، کسب، لباس پوشیدن، حرف زدن و تعامل اجتماعی‌شان، در واقع دارند با یک فرهنگ حرکت می‌کنند - بنده پیش از انقلاب در سخنرانی‌هایم مثال می‌زدم و می‌گفتم فرهنگ مثل توری است که ماهی‌ها بدون این که خودشان بدانند، در داخل این تور، دارند حرکت می‌کنند و به سمتی هدایت می‌شوند - دولت و مجموعه حکومت، نمی‌تواند خود را از این موضوع برکنار بدارد و بگوید بالاخره فرهنگی وجود دارد و مردم به چیزی فکر می‌کنند؛ نه، ما مسئولیت داریم این فرهنگ را بشناسیم؛ اگر ناصواب است، آن را تصحیح کنیم؛ اگر ضعیف است، آن را تقویت کنیم؛ اگر در آن نفوذی هست، دست نفوذی را قطع کنیم. بنابراین،

فرهنگ به عنوان شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه هم یکی از میدان‌های اساسی است (همان تاریخ).

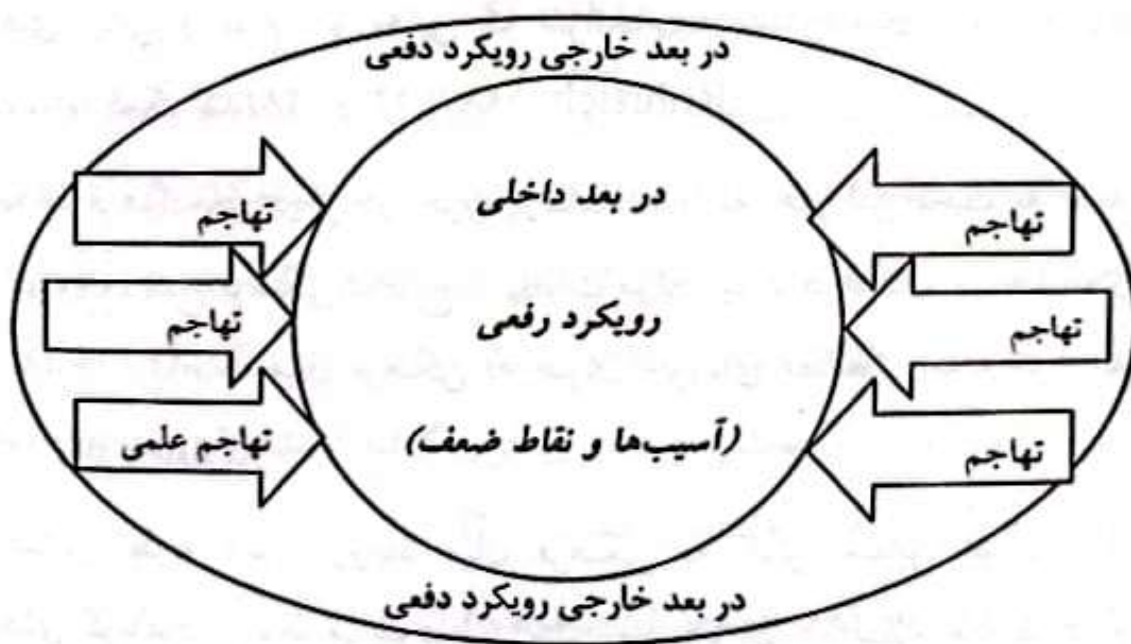
سوم) فرهنگ، سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است؛ یعنی آموزش و پرورش، آموزش عالی و بهداشت و درمان. دستگاه‌های موظف دولت، بالاخره باید سیاست‌های کلان آموزشی و علمی‌شان را از مرکزی بگیرند. درست است که آموزش و پرورش خودش یک مجمع مشورتی دارد، ولی او کار دیگری می‌کند و نزدیک به اجراست و اما این، دورتر از اجراست؛ کلان‌تر و وسیع‌تر نگاه می‌کند (همان تاریخ).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنانی در جمع مسئولان فرهنگی کشور در سال ۷۳ با برشمردن عوامل سایش جبهه فرهنگی داخلی توجه به آنها را باعث تقویت درونی فرهنگ کشور می‌داند. در زیر به آن عوامل اشاره می‌شود:

- ۱- یکی از عوامل سایش در جبهه خودی، این است که مسئولان خودی فرهنگ، مانند وزارت ارشاد و بعضی دستگاه‌های دیگر، به آن کم‌توجهی کردند.
- ۲- عامل دیگر، خودباختگی عناصر جبهه خودی، در مقابل شخصیت‌های جبهه دشمن، به دلیل احساس برتری صنفی آن شخصیت‌ها بر این عناصر بود.
- ۳- عامل دیگری که وجود دارد، این است که در جبهه خودی، بعضاً به دلایلی، در پایبندی نظام به حرف‌ها و آرمان‌های خودش، تردید شد.
- ۴- عامل دیگر از عوامل هزم جبهه خودی و سایش آن، کشیده شدن پای عناصر این جبهه به دعوای خطی است.

۵- عامل دیگر که امتحان بسیار بزرگی بر سر راه همه است، عامل دنیا و جلوه‌های فریبنده آن بود. در جبهه خودی، برخورداری مادی کم و امکانات ناچیز بود. جلوه‌های دنیا پرجاذبه است و چشم‌ها و دل‌ها را می‌فریبد (۱۳۷۳/۴/۲۲).

رویکرد ایشان در بیانات حکیمانه خود، در صیانت از فرهنگ اصیل اسلامی- انقلابی، دو رویکرد رفعی و دفعی بوده است. در خصوص مقابله با تهدیدات خارجی که هدف تهدید نفوذ و تخریب فرهنگ خودی بر بستر خلاءهای فرهنگی داخلی بوده رویکردی دفاعی داشته‌اند و در خصوص کاهش آسیب‌های داخلی نیز بهره‌گیری از رویکرد رفعی و آسیب‌زدایی بوده است تا هرچه جامعه ایران به انسجام و هویت برتر و بالنده دست یابد و میل به پیام‌های بیرونی که عمدتاً بر پایه بی‌دینی، دنیاگرایی و مادی‌گرایی و نوید اختلاف بوده است را به حداقل رسانند.



مدل مفهومی شماره ۳ - تحلیل و دسته‌بندی بیانات مقام معظم رهبری بارویکرد دفعی و رفعی

۳- چيستی ارتباطات فرهنگی

در نگاه اندیشمندان حوزه فرهنگی، فرهنگ و ارتباطات هر دو فراگردند، و یک ضرورت انسانی به شمار می‌روند (Prosser, ۱۹۷۸: ۳۳۶)؛ بدین معنا که هر دو پویابند و هیچ جامعه انسانی را نمی‌توان بدون این دو نشانه فرض نمود.

«ارتباط، عبارت است از: فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسینان‌راد، ۱۳۶۹: ۵۷).

فرهنگی‌ترین خصوصیات فرهنگی، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی است که به طور ارتباطی از طریق: عقاید، افکار، تصورات قالبی، اسطوره‌ها، پیشفرض‌ها، الگوهای فکر و عادات، انتقال می‌یابد (prosser, ۱۹۷۸: ۳۴۱).

ارتباطات میان فرهنگی می‌تواند از طریق: تجارت، حکومت، آموزش و مهارت‌های زبانی و تمام حوزه‌هایی که سرانجام به تماس میان فردی مربوط می‌شود، به ما کمک کند (Rohrlich, ۱۹۸۷: ۱۲۷-۱۲۸).

توجه به فرهنگ‌های دیگر در حوزه ارتباطات، نقطه آغاز این بحث به شمار می‌آید. در واقع، تنوع فرهنگی با طرح ارتباطات مؤثر، پیوند فرهنگ و ارتباطات را موجب شد تا ارتباطات میان فرهنگی به عنوان حوزه‌ای مطالعاتی به وجود آید (Samovar, ۱۹۹۴: ۷).

بر اساس نظریه ویور، روابط میان فرهنگی به کنش متقابل انسان‌ها از فرهنگ‌های گوناگون مربوط می‌شود. این کنش متقابل، هم در سطح میان‌فردی و هم در سطح ملی صورت می‌پذیرد. هنگامی که افراد از فرهنگ‌های متفاوت با هم ارتباط برقرار می‌کنند، روابط آنان می‌تواند آکنده از فشار و بی‌اعتمادی، و غیر مفید باشد (Fischer, ۱۹۹۶, p.×IV).

۴- رویکردهای مقام معظم رهبری در راستای صیانت از فرهنگ اصیل اسلام و انقلاب

۱-۴) تبیین و ترویج فرهنگ دفاع مقدس

آن روح جهادی را که در دوران جنگ تحمیلی بر صدا و سیما حاکم بود و چیز بسیار مثبتی است، نگذارید از بین برود. آن روح جهادی منفی نیست، مثبت است.

شما فرضاً وقتی به ادبیات فرانسه نگاه کنید مطمئناً بخشی از این ادبیات مربوط به قهرمانی‌های دوران جنگ است. مردم فرانسه چهار سال جنگ داشتند که در این چهار سال، دو یا سه سال که تحت فشار بودند و شکست خوردند، انواع مختلف قهرمانی‌ها را از خودشان نشان دادند، هم در میدان جنگ، هم در مبارزات مردمی داخل پاریس و هم در روابط انسانی، که در ادبیات فرانسه اینها مرتب تکرار می‌شود. شما درباره دوران انقلاب روسیه ببینید، چقدر کتاب نوشته شده و چه حجمی از تفاخر وجود دارد که برای دیگران باقی گذاشتند (کتاب فرهنگ و تهاجم فرهنگی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴: ۴۲۱).

اصل اساسی در باب اداره رادیو و تلویزیون این هدف‌ها است. ما می‌خواهیم مردم متدین بشوند، یعنی دینی شدن مردم، ارتباط مستحکم مردم با نظام و مبانی اصلی نظام، حفظ روحیه و شور انقلابی در مردم و جلوگیری از یأس و دل‌مردگی و سرخوردگی آنان، حفظ ارتباط و اعتماد مردم به هر دولتی که بر سرکار است و مورد قبول مردم و مجلس و رهبری قرار گرفته است، هر یک در جایگاه خود می‌تواند یکی از هدف‌ها باشد (همان: ۴۰۸).

۲-۴) هشدار به موقع در خصوص تهدید فرهنگی

در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده، تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست، بسیج عمومی هم در آنجا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه ای (است) که تا به خود بیاییم گرفتار شده‌ایم (۱۳۶۸/۰۹/۰۷).

مثل جنگ نظامی، چشم‌ها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم، هر طرفی که بدون شناسایی و دیده‌بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد. در جنگ فرهنگی هم، همین طور است. اگر ندانید که دشمن کار می‌کند یا از آن که می‌داند، فرمان

نبرید، از فرمانده فرهنگی دستور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است (۱۳۶۹/۰۲/۱۲).

امروز به نظر من، از همه خطرناک‌تر در داخل، روش‌های فرهنگی است... از اساسی‌ترین مسائل ما، مسائل فرهنگی است و من احساس می‌کنم که در زمینه اداره فرهنگ اسلامی این جامعه داریم دچار یک نوع غفلت و بی‌هوشی می‌شویم - یا شده‌ایم - که بایستی خیلی سریع و هوشیارانه آن را علاج کنیم (۱۳۶۹/۰۹/۱۴).

البته خطرناکی که می‌گوییم، نه این که بی‌علاج یا صعب‌العلاج است، نه بسیار سهل‌العلاج است، به شرط این که بیمار و طیب احساس کنند که بیماری هست، اگر احساس کردند بیماری است، آن وقت دیگر صعب‌العلاج نیست، خیلی سهل‌العلاج است، خطر آنجاست که من و شما نفهمیم که چنین چیزی وجود دارد و من دارم الان عرض می‌کنم ما فرهنگی هستیم، ما اهل تشخیص فرهنگی هستیم، انسانی که در یک فضای فرهنگی استشمام می‌کند، لازم نیست دست بزند یا ببیند تا چیزی را بفهمد، امروز برای من کاملاً محسوس است. این را هم روزنامه‌نگاران ما، هم رادیو تلویزیون ما و هم دستگاه‌های تبلیغاتی ما - مثل وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی و آموزش و پرورش و دیگران - بدانند، امروز مسأله این است (۱۳۷۰/۰۵/۲۳).

امروز آرایش رسانه‌ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد، بسیار آرایش پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است (۱۳۸۳/۰۲/۲۸).

چنین مبارزه‌ای اگر در مقابلش حرکتی انجام نگیرد بلاشک پیروز خواهد بود. به نظر من اگر با این تهاجم، هوشمندانه و با بهره‌گیری از روش‌های درست و مدبرانه مقابله نشود، بسیار خطرناک و نابودکننده است (کتاب فرهنگ و تهاجم فرهنگی؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴: ۸).

مقابله با این تهاجم بسیار خطرناک و ویرانگر نیازمند هوشیاری و استفاده از ابزار و روش‌های مشابه دشمن و یا شیوه‌های جایگزین آن است (همان: ۱۵).

۲-۴) توجه به اهمیت دفاع فرهنگی- اجتماعی

آمادگی لازم در برابر دفاع فرهنگی از اهم مواردی است که باید به آن توجه کافی مبذول داشت. در میان انواع هجوم غیر نظامی دشمنان، هجوم فرهنگی از همه آنها خطرناک‌تر و خسارت بالاتر است؛ زیرا در این نوع حمله، دشمن با ترویج فساد و فحشا بر افکار عمومی، به ویژه اخلاق و افکار نسل جوان را منحرف و آلوده کرده، ارزش‌ها، آرمان‌های مقدس دینی، عزت و شرف مسلمانان را مورد هجوم قرار می‌دهد، تا مسلمانان را همرنگ خود کرده و در نتیجه راه نفوذ و سلطه‌اش را هموار سازد. قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: «آنان آرزو می‌کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید و مساوی یکدیگر باشید» (نساء/ ۸۹).

در اهمیت جهاد فرهنگی همین بس که در آن دورانی که پیامبر هنوز در مکه حضور داشتند و حکم جهاد نظامی تشریع و ابلاغ نشده بود، خداوند در فرمانی موکد به آن حضرت فرمود: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/ ۵۲)؛ پس از کافران پیروی مکن و به وسیله آن با آنها جهاد بزرگی بکن.

رهبر معظم انقلاب در اهمیت دفاع فرهنگی با الهام گرفتن از جمله معروف بهترین دفاع تهاجم است، بیان می‌دارند که؛ امروز غیر از تهاجم نظامی همه تهاجم‌های دیگر با شدت کم سابقه‌ای وجود دارد. لذا جامعه اسلامی در مقابل این تهاجم باید زنده، هوشیار و آسیب‌ناپذیر و پرامید، آماده ضربه زدن، همچون یک موجود زنده بماند و مقاومت کند (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۲۴).

این ملت‌هایی که مشاهده می‌کنید به پیشرفت‌هایی دست یافتند اعم از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی یا پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی، ثروتمند شدند

و عزتی پیدا کردند هر چه هست تابع تلاش است و این یکی از اصول اسلامی است (همان: ۲۰۳).

و امام راحل نیز در راستای جهاد فرهنگی کلامی به یادماندنی فرمودند مبنی بر اینکه؛ ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون برای اعتلای کلمه الله ایستاده‌ایم و برخلاف میل تمامی آنان، حکومت نه شرقی و نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پایه‌ریزی خواهیم نمود (صحیفه نور، ج ۲۰: ۶۱).

۴-۴) تبیین ضرورت مقابله با تهاجم فرهنگی

ملت‌ها را از تبادل فرهنگی بین یکدیگر، گریزی نیست و هیچ کشوری نمی‌تواند مرزهای کشورش را به روی ملت‌های دیگر ببندد؛ اما امروزه به دلیل انحصار وسایل ارتباطات و فناوری در کشورهای پیشرفته، این روند، به جریانی یک‌سویه بدل شده است. استکبار جهانی به قصد نابودی هویت ملی و فرهنگی و استقلال کشورهای جهان سوم، به ویژه جهان اسلام، وارد میدان شده است و با در اختیار داشتن ابزارهایی نظیر ماهواره، حملات بی‌امان خویش را، هر آن توسعه بیشتر می‌دهد. چاره‌اندیشی برای دفع این خطر، به ویژه برای جمهوری اسلامی که در نوک پیکان حمله دشمنان قرار دارد، امری ضروری و حیاتی است. در جوهره تفکر امام خامنه‌ای، کار اصلی مقابله با تهاجم نیست؛ حمله مستمر و مداوم به همه ارکان وجودی استکبار جهانی، ویژگی اصلی و برجسته این اندیشه است.

من یک وقت گفتم که فرق تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی چیست. تهاجم فرهنگی، یک امر منفی است؛ اما تبادل فرهنگی، یک امر مثبت است. یک وقت هست که یک انسان برای این‌که کمبودی را در بدن خودش برطرف کند، می‌گردد و غذا و داروی مناسب را - آن چیزی که به دردش می‌خورد - از هر جایی که گیرش آمد، پیدا می‌کند و با میل خود آن را داخل کالبدش می‌ریزد. یک وقت هم هست که نه، ما انتخاب نمی‌کنیم؛ دست و پای ما را می‌گیرند، یا بی‌هوشمان می‌کنند، یا مستمان

می‌کنند و چیزی را که خودشان می‌خواهند - نه آن چیزی که ما لازم داریم - در بدن ما تزریق می‌کنند. آیا اینها با هم فرق ندارد؟! من می‌گویم ملت ایران نباید خودش را لخت بیندازد تا دشمن با مدرن‌ترین شیوه‌ها، آنچه را که خودش می‌خواهد، از تفاله‌های دست دوم فرهنگش به جسم ملت ایران تزریق کند (۱۳۸۰/۲/۱۲).

تهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است؛ غیر از گرفتن برجستگی‌ها و زبده‌گزینی از فرهنگ‌های دیگر است؛ این، چیزی است مباح، بلکه واجب. اسلام به ما دستور می‌دهد، عقل هم به‌طور مستقل از ما می‌خواهد که هر چیز خوب، زیبا و باارزشی را که در هر کجا می‌بینیم، آن را فرا بگیریم و از آن استفاده کنیم. این جملات معروف متداول در زبان‌های مردم ما که «اطلبوا العلم ولو بالصین» یا «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»؛ نگاه نکن حرف خوب، سخن حکمت‌آمیز، دانش و معرفت را چه کسی دارد می‌گوید، اگر سخن خوب است، آن را فرا بگیر، این گرفتن، گرفتن فرهنگی است و اخذ فرهنگی، تبادل فرهنگی و زبده‌گزینی فرهنگی، یک چیز لازم است و این، غیر از تهاجم فرهنگی است (۱۳۸۳/۲/۲۸).

۵-۴) تحلیل درست از تهاجم فرهنگی

این مسأله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم می‌آورم و حقیقتاً و قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم، دو شاخه اساسی و مهم دارد که هر دوی برای شما قابل توجه است، یکی عبارت است از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی که این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی به صورت آزاد و نرخ شاه عباسی انجام می‌گرفته و در دوران اسلامی قطع شد. اینها دارند فشار می‌آورند که همان کار، باید انجام بگیرد، این یک شاخه، شاخه دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی و به ارزش‌های جمهوری اسلامی و ارزش‌های ملت ایران، از طریق فرهنگی با نوشتن، با تهیه فیلم‌ها یا نمایشنامه‌ها یا تنظیم کتاب‌ها یا فصلنامه‌ها، این کار هم الان در کشور ما با هدایت بیگانه دارد انجام می‌گیرد. . .

مسأله یک قشر خاص نیست، مسأله، مسأله ایران است، مسأله اسلام هست، مسأله عزیزترین اندوخته‌های یک ملت است، مگر شوخی است؟ دشمن می‌خواهد با این شوخی کند. دشمن می‌خواهد این را به بازی بگیرد. باید جبهه فرهنگی به وجود بیاید. سنگرهای فرهنگی باید به وجود بیاید. همه باید کار کنند و امروز، روز کار است، امروز، روزی است که همه - همه آنهایی که دارای استعدادند - می‌توانند در زمینه فرهنگی کار کنند. کار نکرده هم زیاد است که باید انجام بگیرد (۱۳۷۲/۰۵/۸).

رهبر معظم انقلاب در خطاب به آحاد مردم می‌فرمایند؛ بصیرت خودتان را حفظ کنید و دشمن را بشناسید. دشمن ترفندهای گوناگون دارد. آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد (فرهنگ و تهاجم فرهنگی: ۲۲۴).

درک صحیح محیط در حوزه تهاجم فرهنگی از دغدغه‌های ایشان است و در این راستا فرموده‌اند: خوشا به حال انسانهایی که بتوانند خلاء زمان خودشان را پر کنند و خواست لحظه را بفهمند و آن را برآورده کنند. بعضی از کارها هست که اگر در یک لحظه خاص خودش انجام گرفت مفید است، لکن اگر در آن لحظه انجام نگیرد چه بسا که آن فایده را نخواهد داشت (همان: ۲۰).

۶-۴) توجه به تعامل فرهنگی تا ستیز فرهنگی

فرهنگ‌پذیری نوعی از اشاعه فرهنگی از طریق تماس نزدیک و مداوم بین فرهنگ‌ها است که می‌تواند اختیاری یا تحمیلی باشد. دو فرهنگ که در تماس با هم قرار می‌گیرند در یکدیگر اثر می‌گذارند و عناصری از یکی به دیگری منتقل می‌شود. معمولاً فرهنگ نیرومندتر عناصر بیشتری را به فرهنگ ضعیف‌تر وام می‌دهد و اگر این وام‌دهی تحمیلی و با برنامه باشد می‌تواند عنوان هجوم فرهنگی بگیرد. تماس نزدیک بین فرهنگ‌ها می‌تواند از طریق همجواری جغرافیایی، پیروزی در جنگ، اشغال نظامی، مهاجرت و امروزه به وسیله فناوری نوین ارتباطی برقرار شود (واگو، ۱۳۷۳: ۱۵۷-۱۶۰).

عامل ستیز در فرهنگ‌ها وجود تعارض میان آنهاست از مخالفت نیروهایی که افراد یا گروه‌های متعلق به دو فرهنگ متفاوت، با آنها برخورد کنند (شعارنژاد، ۱۳۶۴: ۱۰۵) و این امر موجب رقابت فرهنگ‌ها برای بقا و نفوذ در یکدیگر، که می‌توان آن را در خانواده کنونی جهان میان فرهنگ‌های صنعتی و غیر صنعتی دید که به اشغال فرهنگی جهان سوم و گاهی به امحای فرهنگ آن می‌انجامد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۰).

می‌توان گفت اساسی‌ترین عامل تعارض و ستیزه مزبور مربوط به سودجویی و سلطه‌گری است که موجب می‌شود توجه بیشتر به آن دسته از عناصر فرهنگی باشد که به طور مستقیم در سودآوری و سلطه‌گری نقش مؤثر داشته‌اند. با این امکان، هیچ ضرورت منطقی دیده نمی‌شود که نموده‌های مختلف فرهنگی یک جامعه کاملاً متشکل و سیستماتیک بوده باشد. ممکن است فرهنگ مذهبی یک جامعه، روحانی (مابعدالطبیعه) خالص بوده باشد، ولی فرهنگ علمی آن کاملاً عینی‌گرا و تحقیقی باشد، مانند مسیحیت ملل اروپایی در دو قرن اخیر و عینی‌گرایی علمی آنان و علت این که ناهماهنگی عناصر فرهنگی موجب تباهی کلی فرهنگ اسلامی می‌گردد وحدت حیات انسانی است که اساسی‌ترین مایه آن ذات تکاملی انسان است هنگامی که این وحدت به جهت شکست خوردن، مبنای اصلی عناصر فرهنگی مختل شود تباهی کل فرهنگی انسانی قطعی می‌شود (جعفری، ۱۳۷۳: ۸۵).

برای ادامه حیات یک جامعه، فرهنگ باید کارکردهای مهمی ایفا نماید تا نیازهای مادی و معنوی و اجتماعی مردم تأمین شود. به طور کلی «وقتی که عواملی موجب می‌شود تا یک روش زندگی نتواند انتظاراتی را که به وجود آورده است تأمین نماید، افراد وادار می‌شوند تا راه‌های امیدوارکننده‌تری را جستجو کنند» (نامسون، ۱۹۹۰: ۳-۴)؛ بنابراین اگر برخی از هنجارهای فرهنگی، یا سازماندهی ساختاری، به طور منظم نیازهای مهمی را سرکوب نمایند، هنجارها و ساختارهای

اجتماعی ابداع شده در داخل و یا وام گرفته شده از خارج، که در غیر این وضعیت نادیده گرفته می شدند و یا برچسب انحرافی می خوردند، مبنای انباشتگی و دگرگونی فرهنگی قرار می گیرند (سپرو، ۱۹۷۲: ۵۶۲).

مقصود از تعامل فرهنگی، فرایند تماس با فرهنگ دیگر است که می تواند به طور یک سویه یا دوسویه باشد. در حالت اخیر، داد و ستد یا مبادله فرهنگی پدید می آید (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۰). ارتباط میان فرهنگی، ارتباط میان مردمانی است که ادراکات فرهنگی و نظام نمادین آن بحدی از یکدیگر متمایز است، که پدیده های ارتباطی را متفاوت جلوه می دهد (Samovar, ۱۹۹۵: ۵۸).

در این رابطه سخن شیوای رهبری رهنمون مسئولان عرصه فرهنگی کشور است؛ مبنی بر هضم زیبایی های سایر فرهنگ ها در فرهنگ ملی انسان هر چیز خوب و زیبایی را از دیگران می آموزد، اما خوب است آن را در فرهنگ خود حل کند و از آن استفاده کند (کتاب فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۴: ۱۶).

۷-۴) برنامه ریزی دقیق در عرصه فرهنگی با نگرش سیستمی

در جهان رقابتی کنونی، کشورهایی که برای فرهنگ خود هدف و برنامه ای نداشته باشند، توسط فرهنگ های دیگر کنار گذاشته خواهند شد. کشورها برای تداوم حیات فرهنگی جامعه خود نیاز به پشتیبانی و حمایت از فرهنگ دارند و این امر میسر نمی شود مگر از طریق مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی صحیح و کارآمد (صالحی امیری و چاوش باشی، ۱۳۸۹: ۳۱).

در کشورهایی که دارای پشتوانه فرهنگی قوی هستند و دوره هایی، فعالیت های گسترده فرهنگی داشته و دارای میراث فرهنگی عظیمی بوده اند، اهمیت مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی چند برابر می شود. در کشورمان، علاوه بر میراث فرهنگی قابل توجه، جایگاه فرهنگ به دلیل وقوع انقلاب اسلامی که نوعی تفکر و اندیشه جدید

به جهانیان عرضه داشت، ارزش‌های جدید به منصفه ظهور رسید و اصولاً به اذعان صاحب‌نظران، انقلاب فرهنگی بسیار رفیعی به وقوع پیوست. از این‌رو به منظور صیانت از ارزش‌های انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن، نیازمند توجه جدی به امر مدیریت و برنامه‌ریزی در عرصه فرهنگ هستیم (عظیمی، ۱۳۸۷: ۵۱).

در این زمینه از اعمال سلیقه هم باید جلوگیری کرد. فلان مسئول فلان بخش فرهنگی ما یک سلیقه‌ای در یک قضیه‌ای دارد، نبایستی به این سلیقه‌ها تکیه کرد (در محضر ولایت: ۱۱۲).

اهمیت استمرار در برنامه‌ریزی‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است ما اگر بخواهیم انضباط را در کشور به وجود بیاوریم، با یک بار و دو بار گفتن، مقاله نوشتن و راه انداختن سمینار که نمی‌شود. این یک کار مستمر لازم دارد. فرض بفرمایید که نیروی ابتکار و به کار انداختن قدرت ابتکار، شجاعت و شهامت در ابراز کارهای بزرگ، چیزی نیست که در یک ملت با سفارش، توصیه و با یک بار گفتن و شنیدن انجام داد. اینها ممارست لازم دارد (همان: ۱۵۱).

یک سیستم، مشتمل بر مجموعه‌ای از اجزا است که فعالیت مشترک دارند و در عین حال محافظت از محدوده‌های خود با محیط اطراف نیز تبادل نفوذ می‌کند. داده‌هایی که وارد این سیستم می‌شوند تأثیرات دریافت‌شده از محیط اطراف هستند و سیستم آنها را از طریق فراگردهای مختلف به باز داده‌ها تبدیل می‌کند. باز داده‌ها شامل فرآورده‌ها، خدمات و نفوذهایی هستند که از سوی سیستم به منظور دگرگونی محیط اطراف آن صادر می‌شوند. در یک سیستم ممکن است جنبه مکانیکی و منفی داشته باشد و نتواند در برابر محیط خود عکس‌العمل نشان دهد. نمونه چنین سیستمی، ساعت است. یک سیستم ممکن است دارای خصوصیات واکنشی باشد و برای تحقق هدف یا هدف‌های مختلف، طرح‌ریزی شده باشد، مثل ماهواره‌های فضایی... (پیروزمند، ۱۳۸۲: ۲۷).

از دیگر دلایل ضرورت توجه به موضوع فرهنگ و برنامه‌ریزی آن تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر این مقوله است. معظم‌له در سال ۱۳۷۹ در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن تأکید بر اهمیت و ضرورت نگاه سیستمی بر فرهنگ عمومی کشور خواستار برنامه‌ریزی در حوزه مسائل فرهنگی کشور در سطح کلان شدند.

«بنده اصرار دارم که در محافل تصمیم‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، یک مقوله مورد توجه قرار گیرد و آن مقوله فرهنگ است... به نظر ما مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز قابل مقایسه نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).

تحول فرهنگی و انقلاب فرهنگی یک چیزی همه‌جانبه و ذوابادی خواهد بود. تحول فرهنگی چیزی نیست که در مدت کوتاهی و با تغییر و تحول‌هایی در بخشی از بنیادهای فرهنگی به وجود بیاید... اگر انقلاب فرهنگی با مفهوم خودش و با همان چیزی که معنی این دوکلمه است: «انقلاب» و «فرهنگ» مورد نظر باشد یک چیز بسیار وسیعی است همچنان که چیزی تدریجی، پیچیده و ظریف و همه‌جانبه است (در محضر ولایت: ۳۹).

۸-۴) تأکید بر نقش‌آفرینی روحانیت و حوزه‌های علمیه

ما امروز در قبال نهاد منبر یک وظیفه جدید داریم. یک سازماندهی، یک قاعده و ضابطه لازم است که باید به وسیله معممین این فن و خبرگان این میدان و فضلا و آگاهان به شرایط زمان و کسانی که سالیان دراز در این راه بوده‌اند و جوانب گوناگون آن را سنجیده‌اند برقرار بشود، تا هر سخن ضعیف و سستی گفته نشود و هر معرفت بی‌فایده یا کم‌فایده‌ای جای معارف پرفایده را نگیرد و اقتضای زمانه و نیاز مردم به معارف دینی مورد توجه قرار بگیرد (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۴: ۳۰۱).

اگر ما می‌خواهیم مردم را موعظه کنیم لازمه آن در درجه اول اتعاض نفسی خود ما است؛ یعنی برای کسی که بنا بر گویندگی دین دارد، تهذیب نفس یک امر الزامی است تا حرف او مؤثر واقع شود و از دل بگوید و عمل او تقویت‌کننده قول او و شاهد بر آن باشد (همان: ۳۰۳).

از لحاظ شناخت اسلام و معارف اسلامی در دنیا این جمهوری اسلامی و حوزه علمیه است که باید پاسخگو باشد. پس اگر خدای نخواستہ حوزه از نظر فهم مسائل جاری کج بفهمد و یک جایی موضعی را درست تشخیص ندهد یا نیازی را در جای خودش درک نکند یا، بد بفهمد یا دوست و دشمن را نشناسد و براساس بدفهمی یا درست تشخیص ندادن تصمیم‌گیری بشود، مشکلاتی که پیش خواهد آمد جبران‌ناپذیر خواهد بود. لذا باید فهم سیاسی و هدایت سیاسی حوزه در سطح بسیار بالا باشد (همان: ۲۷۴).

وظیفه ما معممین این است که حرکت جامعه را به سمت معنویت با معنویت منطقی، مستدل و صادقانه خود تضمین کنیم (همان: ۸۵).

کسانی را که بتوانیم برای تبلیغ به خارج از کشور بفرستیم، متأسفانه کم داریم. این همه امروز در دنیا علیه اسلام در یک سطح و علیه شیعه در سطحی دیگر و علیه مبنا و روش انقلاب در یک سطح دیگر کار تبلیغی می‌شود. طبیعی است که جوانان، دانشگاهیان، روشنفکران و آحاد مردم خارج از کشور دارای سؤال هستند و از ما می‌خواهند کسی را بفرستیم به سؤالاتشان پاسخ دهد، ولی ما کسی را نداریم بفرستیم. مبلغان مسیحی از دو سه قرن پیش حداقل از صد سال پیش رفتند به مناطق دوردست آفریقا یا آمریکا، در اعماق جنگل‌ها، جایی که حتی آدم‌های معمولی و تجار هم نمی‌رفتند و مشغول تبلیغ شدند. انسان گاهی از اینکه اینها به جاهایی رفتند که امید مسیحی شدن مردم آنجا اصلاً وجود نداشت (مثل ایران) متعجب می‌شود. یک وقت در صحبتی عرض کردم که مبلغان مسیحی مکرر به

ایران آمدند که شرح حالشان موجود است. اینها از زمان نادرشاه بلکه قبل از نادرشاه برای تبلیغ مسیحیت، خانه و زندگی و اهل و وطن مألوف خود را رها می‌کردند و با وسایل سفر آن موقع به کشوری مثل ایران می‌آمدند و سال‌های دراز می‌ماندند تا مسیحیت را تبلیغ کنند. کسانی که اصولاً درس و دوره این کار را دیده باشند، روانشناسی کشورهای خارجی را بدانند، ملت‌ها و زبان آنها را بشناسند و بتوانند با آنها حرف بزنند و تفاهم بکنند، ولی ما متأسفانه چنین افرادی را نداریم. این خلاء باید توسط چه کسی برطرف بشود؟ آیا درست است که ما منتظر بمانیم تا یک دانشکده‌ای که مفاهیم اسلامی در آنجا در سطح نازلی نسبت به حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود برای ما مبلغ تربیت کند؟ جای تربیت مبلغ، قم و حوزه‌های علمیه است (همان: ۲۹۱).

۹-۴) تأکید بر نقش آفرینی جوانان

جوان‌ها باید هوشیار باشند. جوان‌ها باید بدانند آنچه از ورای مرزها به وسیله کسانی که هیچ به سرنوشت این ملت علاقه ندارند می‌رسد باید با آن به شکل با احتیاط برخورد کرد. نمی‌شود بی‌قید و شرط هر چه را که از آن سوی مرزها می‌فرستند پذیرفت - اعم از کالا، کالای فرهنگی و همچنین امواج تبلیغی و فرهنگی - دشمن در کمین است، به خصوص در کمین جوان‌ها. شما در این تبلیغاتی که می‌کنند نگاه کنید، یک کلمه در جهت رشد و ترقی اندیشه مردم اقدامی و حرفی زده نمی‌شود. تبلیغات دشمن در جهت ویرانگری و فاسد کردن است. در جهت معطل کردن نیروی کار و فکر و جسم جوانان است. باید با احتیاط با آن برخورد کرد (مقام معظم رهبری، ۲۷/۰۶/۷۵).

به اعتقاد بنده آنچه که امروز بیش از همه چیز باید در آموزش و پرورش ما به آن توجه شود احیای اعتقاد اسلامی و عمل اسلامی در دانش‌آموزان است؛ یعنی باید اینگونه باشد که اگر کودکی از یک خانواده بی‌اعتقاد و بی‌مبالات نسبت به

عمل و اعتقاد اسلامی به مدرسه می‌رود و با کودکی از خانواده‌ای که اعتقاد و مبالغه‌شان هم نسبت به افکار و عمل اسلامی بد نیست ولی به خاطر بی‌سوادی و کمبودهای فکری و روانی والدین توانایی اثرگذاری روی طفل را ندارند، اگر از چنین خانواده‌هایی هم کودکی وارد محیط تحت تسلط آموزش و پرورش می‌شود باید اینجا آن خلاءها جبران شود؛ یعنی این کودک ... یک آدم متدینی بشود (فرهنگ و تهاجم فرهنگی: ۴۰۱، برای دیدن سایر موارد ر.ک؛ همان: ۴۰۳).

نسل جوان در حال تباه شدن تدریجی به وسیله دشمن است و ما نباید بگذاریم، باید حفظ کنیم نسل جوانی را که اگر جنگ بود دفاع کند و اگر حادثه‌ای در داخل بود حضور پیدا کند، آنجا که نوبت علم و تربیت علمی و تحقیقی است باید درس بخواند و خودسازی کند، آنجا که صحبت آینده است باید خود را آماده کند. این نسل جوانی که مایه تکیه و امید است به تدریج با شکل‌های مختلف و با شیوه‌های گوناگون روی او کار و تلاش می‌شود و این تلاش هم عمدتاً تلاش فرهنگی است... آنچه که بیش از همه خطرناک است آن ذهن، فکر و روحیه جوان است که این را باید دریافت. بیشترین چیزی که روی ذهن جوان اثر می‌کند دو عامل است: یکی تبلیغ گوناگون دشمن... و عامل دوم، عدم نصایح صحیح و عدم تبیین صحیح از این حقایق و اصول است (همان: ۲۸۹).

۱۰-۴) تأکید بر نقش‌آفرینی زن مسلمان و خانواده

در مورد مسأله زن دو عیب اساسی در گذشته وجود داشته، یکی اینکه ارزش حجاب از بین می‌رفته و از این بزرگ‌تر این بوده که نقش‌هایی در برنامه‌های صدا و سیما به زن داده می‌شده که نقش‌های پست‌کننده بود. در عیب اول یک ارزش زیر سؤال می‌رفته و پایمال می‌شده و آن ارزش حجاب است. در عیب دوم همه ارزش‌های بشری که برای زن مورد نظر است زیر سؤال می‌رفته؛ اگر داستان نقل می‌شده، داستان عاشقانه‌ای بوده است که در آنجا زن بالاخره همان نقش

صهیونیست‌پسند و استکبارپسند خودش را ارانه می‌داده و غالباً در چهره یک مادر خوب و یک همسر خوب و یک انسان کارآمد ارانه نمی‌شد. اگرچه شاید در موارد نادری هم ارانه می‌شد، اما غالباً ارانه نمی‌شد. لهذا باید این دو عیب برداشته شود.

ما زن را هم بایستی با حجاب نشان بدهیم و هم سرشار از ارزش‌هایی که اسلام و انقلاب برای زن در نظر گرفته است. مهم‌ترین مسأله، نجابت زن و گوهر عفت زن است. زن به عنوان رکن اصلی خانواده و فعالیت‌های جامعه و تأثیر او در رشد جامعه و مردها و در واقعیت‌های گذشته از قبیل انقلاب و جنگ در فیلم و سریال و شعر و موسیقی و همه برنامه‌ها باید ارانه شود (همان: ۴۲۰).

آیا ایرانی هم لباس مشخصی دارد؟ اگر دارد کدام است که نشان بدهد ایرانی است؟ والا همان مدی را که امروز خیاطخانه‌های اروپا درست می‌کنند و ما از لندن و پاریس اینجا می‌آوریم، این لباس ایرانی نیست. الان متأسفانه شنیدم بعضی‌ها برای تهیه لباس‌های خودشان هر دو سال یک بار، دوبار، می‌روند به خارج، یا به وسیله کسانی که آنجا هستند لباس می‌خرند و می‌آورند و همان لباس را در مجالس خانم‌ها که شرکت می‌کنند می‌پوشند و به نمایش می‌گذارند. این ترویج فرهنگ غرب است. آن وقت ما که می‌گوییم مرگ بر آمریکا، فرهنگ آمریکا را این طور خودمان ترویج می‌کنیم!! در حالی که غربی‌ها اصلاً روی فرهنگ تکیه دارند، سیاست هم مقدمه فرهنگ است. لذا وقتی فرهنگ تأمین شد همه چیزشان تأمین خواهد شد. این تأسف‌آور است که ما آن فرهنگ را به شکل لباس و مظاهر گوناگون دیگر اینجا بیاوریم. آیا فرهنگ ایرانی و لباس ایرانی و زیور ایرانی چه اشکالی دارد که ما بیاییم از فرهنگ غربی استفاده کنیم؟ وانگهی همه اینها چیزهای اعتباری است، یعنی امروز یک جور لباس مد می‌شود، پنج سال دیگر آن لباس از مد می‌افتد و یک لباس دیگر مد می‌شود. لذا این چیزها واقعی نیست، بلکه از امور قراردادی است؛ بنابراین وقتی واقعی نیست و زیبایی‌اش انتزاعی و اعتباری است به

چه دلیل آن لباسی که او می‌پسندد و می‌پوشد زیباست؟ ما ایرانی هستیم باید بگردیم همان چیزی را که متعلق به خود ما است پیدا کنیم (همان: ۲۶۱).

اسلام زن را دارای آن‌چنان عزت و غروری می‌طلبد که اصلاً مبالغت این را نداشته باشد که آیا مردی به او نگاه می‌کند یا نمی‌کند. حالا ببیند این کجا و آن‌که اصلاً زن لباس، آرایش و حرف زدن و راه رفتنش را به گونه‌ای انتخاب کند تا مردم او را نگاه کنند. لکن حالا فیلم‌هایی که درست می‌کنند، می‌بینیم سعی می‌کنند یک عنصر جنسی از همین مقوله‌های انحرافی حتماً در آن، جا بدهند. این انحراف چرا به وجود آمده، در حالی که ممکن بود نباشد و الان هم می‌شود که نباشد. باید جلوی این را گرفت. شما بایستی روی این مسأله خیلی قوی بایستید (همان: ۳۹۴).

و پس از بیان نقش‌آفرینی زن در عرصه فرهنگی باید به نقش کانونی خانواده به عنوان پایه و اساس اجتماع بشری نظر افکند. خانواده محل تولد و شکل گرفتن شخصیت اولیه انسان‌هاست. تأثیرپذیری کودک [در خانواده] با آن شدت و حساسیتی که دارد یک تأثیرپذیری بسیار پرفرجام و پرعاقبتی است؛ یعنی تأثیراتش در عاقبت و در فرجام این بچه خیلی زیاد است و لذا باید روی این خیلی حساب کرد. شما خلاء خانواده‌ها را پر کنید. خانواده‌هایی هستند عامی که از لحاظ تأثیرگذاری شخصیتی و روانی روی کودک بسیار قاصرند. پدر و مادرهای بی‌شخصیتی هستند که بچه‌های بی‌شخصیت بار می‌آورند. شما باید این خلاءها را پر کنید و در کودک زمینه صبر، حلم، ظرفیت برخورد با حوادث و تدبیر عمیق ایجاد کنید (همان: ۴۰۵، برای دیدن سایر موارد ر. ک؛ همان: ۲۶۳).

۱۱-۴) معرفی صحیح اسلام

انسان‌شناسان معتقدند از زمان گذشته تاکنون چهار هزار جوامع انسانی مختلف وجود داشته‌اند که از طریق فرایند اشاعه بسیاری از امور خود را از دیگران گرفته‌اند (واگو، ۱۳۷۳: ۱۵۴).

اشاعه فرهنگ، فرایندی است که به وسیله آن عناصر یا مجموعه‌های فرهنگی از یک فرهنگ یا جامعه به فرهنگ یا جامعه دیگر منتقل، و به تدریج جذب فرهنگ اخیر می‌شوند و سبب دگرگونی آن می‌گردند (کروبر، ۱۹۶۴: ۱۴۲-۱۴۹).

در راستای تعامل فرهنگ‌ها با یکدیگر به اشاعه اندیشه‌ها و ارزش‌ها و در نهایت رفتارهای مختلف در حوزه‌های مختلف خواهیم رسید که منجر به نحوی از توسعه فرهنگی خواهد شد؛ بنابراین فرهنگ کیفیتی متعالی در حیات انسان دارد که باید توسعه یابد. تمامی کشورهای جهان ضرورت توسعه فرهنگی را دریافته‌اند و دولت‌ها را در توجه به آن متعهد ساخته‌اند. توسعه فرهنگی بخشی از توسعه عمومی و در عین حال لازمه آن است. به این صورت که توسعه عمومی هر جامعه‌ای در گرو توسعه فرهنگی است. تمامی دولت‌های جهان امروز این ضرورت را درک کرده‌اند که باید برای توسعه فرهنگی سیاست‌گذاری کنند و در اجرای سیاست‌های فرهنگی تدوین برنامه‌ریزی کنند و به اجرای آن همت گمارند (حسینی، ۱۳۸۲: ۴۶).

ما باید پایه‌های تفکر اسلامی، جهان‌بینی اسلامی و مبانی نظام اسلامی را توضیح دهیم. باید ارکان و خطوط اصلی انقلاب اسلامی یعنی این تحول را از شکلی به شکل دیگر توضیح بدهیم. بعد اقتصاد، سیاست، روابط جمعی و فردی، اخلاق و فرهنگ و جایگاه علم را در آن باید توضیح بدهیم، همه اینها کار لازم دارد. جای بسیاری از این کارها خالی در این خصوص جایگاه دین‌باوری و محوریت دین در اقدامات فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید بدانیم که تغییر در ارزش‌های اساسی منجر به تغییر در تعریف هنجارها، سازمان‌ها و امکانات شده (سملسر، ۱۹۷۱: ۳۳) و جامعه را در مسیر هیجان‌ها و نهضت‌های اجتماعی و بی‌سازمانی قرار می‌دهد.

همان‌گونه که خدای متعال در قرآن وعده نموده است تا وقتی این ایمان اسلامی با شما مردم همراه است، هیچ خطری این ملت و این انقلاب را تهدید نمی‌کند (همان: ۱۷۸).

ما در جمهوری اسلامی اهدافی داریم و ارزش‌هایی برایمان مطرح است. تشکیل این نظام و ادامه حیات این نظام و مقررات این نظام به سمت اهدافی در حرکت است و ما نباید اجازه بدهیم این رسانه عظیمی که امروز در غربت است و در دنیا تنها است، حتی اندکی از جهت‌گیری و سمت‌گیری این اهداف تخطی کند. البته این بدان معنا نیست که ما دائماً در رادیو و تلویزیونمان سخنرانی یا مثلاً بیانیه اسلامی و دینی بگذاریم که صریحاً مبانی و مفاهیم ما را ترویج کند، این راه تبلیغ نیست، بلکه باید با بهره‌گیری از شیوه‌های رایج و غیر مستقیم تبلیغ و با استفاده بهینه از هنر و شیوه‌های هنری - همان کارهایی که امروز پیشرفت‌های زیادی هم داشته - تماماً در خدمت اهداف انقلاب و اسلام باشیم.

یکی از اهداف مهم در دفاع فرهنگی، ایجاد زمینه‌های سالم و مساعد به منظور عرضه و معرفی احکام اسلام است تا انسان‌ها در جوامع مختلف بتوانند بدون ابهام و پیرایه‌های غرض‌آلود اسلام را بشناسند:

«ما موظفیم ابهامی را که نسبت به اسلام به وجود آوردند، برطرف سازیم. تا این ابهام را از اذهان نزداییم، هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. ما باید خود و نسل آینده را وادار کنیم و به آنها سفارش کنیم که نسل آتی خویش را نیز مأمور کنند این ابهامی را که بر اثر تبلیغات سوء چند صد ساله نسبت به اسلام در اذهان حتی بسیاری از تحصیل‌کرده‌های ما پیدا شده، رفع کنند... شما باید خودتان را، اسلام‌تان را، نمونه‌های رهبری و حکومت اسلامی را، به مردم دنیا معرفی کنید؛ مخصوصاً به گروه دانشگاهی و طبقه تحصیل‌کرده» (ولایت فقیه: ۸۱۱).

باید این واقعیت را پذیرفت که یکی از عوامل گرایش جوانان، به ویژه دانشگاهیان، به فرهنگ بیگانه و افکار انحرافی، بی‌جواب‌ماندن سؤال‌ها و شبهاتی است که در ذهن آنان ایجاد می‌شود. امام راحل (ره)، اعتقاد راسخ دارند که اگر احکام اسلام به طور منطقی و درست عرضه شوند، دانشگاهیان با آغوش باز از آن استقبال خواهند کرد: «دانشجویان چشم‌شان باز است. شما مطمئن باشید اگر این مکتب را عرضه نمایید و حکومت اسلامی را، چنان‌که هست، به دانشگاه‌ها معرفی کنید، دانشجویان از آن استقبال خواهند کرد» (همان).

صادر کردن اندیشه، فکر، انقلاب و فرهنگ، یعنی همان چیزی که دشمن از همه چیز بیشتر از آن خائف است (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۴: ۸۸).

از اول ورود استعمار به کشورهای شرقی و اسلامی یکی از هدف‌ها فاصله انداختن میان مسلمانان بود. راه‌های گوناگونی را برای ایجاد فاصله میان برادران مسلمان در اقطار اسلامی پیمودند؛ از غلیظ کردن احساسات و انگیزه‌های ناسیونالیستی تا ایجاد و تشدید اختلافات فرقه‌ای (همان: ۷۷).

امام راحل در این خصوص کلام شیوایی دارند: «امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمد (ص) است و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی، رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۵۳۲). نیز در فرازی دیگر فرمودند: «من با اطمینان می‌گویم اسلام، ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد» (همان، ج ۲۰: ۸۱۱).

امروز که ملت‌های مسلمان پس از چند قرن انحطاط و رکود و ذلت، در چهار گوشه جهان اسلام به بیداری و قیام الله گراییده‌اند و عطر آزادی، استقلال و بازگشت به اسلام و قرآن در فضای بسیاری از کشورهای اسلامی منتشر گشته است، بیش از همیشه نیاز دارند که پیوند خود را با آن گذشته نورانی و معجزه‌آسا، با دوران قیام‌الله و مبارزه اسلامی دوران نخستین اسلام مستحکم کنند (کتاب فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۴: ۵۴).

اگر می‌خواهیم ارزش‌های اسلامی در دنیا به صورت ارزش‌های مقطعی مطرح شود و دل انسان‌ها را جذب کند تا بر مبنای آن در زندگی مسلمین تغییری به وجود بیاید، چنین چیزی بدون وحدت مسلمین امکانپذیر نخواهد بود (همان: ۷۹).

۱۲-۴) اراله سیره نظری و عملی اهل بیت (ع)

ما باید برای اعتلای کلمه اهل بیت کارهایی را انجام دهیم؛ اولاً باید خود اهل بیت را معرفی کنیم. آیا امروز در جهان اسلام، کتاب‌هایی که درباره اهل بیت و باب این زمان باشد با زبان مناسب وجود دارد یا نه؟ البته بیشتر تصور من این است که ما به طور کامل نداریم. لکن شاید در گوشه و کنار یک چیزهایی باشد. اگر هست اینها را منتشر کنیم و در اختیار دانشجویان و روحانیون و عامه مردم و کسانی که تحت تأثیر تبلیغات قرار گرفتند بگذاریم. ما در زمینه مسائل اسلامی، یعنی در اصول، در معارف و در ادبیات اسلامی از اهل بیت - علیهم‌السلام - چیزهای زیادی داریم که اگر امروز به دنیا عرضه شود واقعاً دنیا را به اعجاب و می‌دارد. مثلاً روی نهج‌البلاغه کار بشود و نکات و مطالب مهمی که در نهج‌البلاغه و روایات هست تفکیک، تفسیر و حلاجی بشود. ما معارف عالیه فراوانی از زبان اهل بیت به عنوان بیان اهل بیت به عنوان اسلامی که اهل بیت معرفی می‌کند داریم که امروز بشر به آنها محتاج است (همان: ۲۹۷).

بسیارند در دنیا مردمی که اگر پیامبر اسلام را به همان اندازه‌ای که مسلمان‌ها می‌شناسند - یا حتی کمتر از آن - بشناسند، یعنی حقیقتاً یک شبیحی فقط از آن چهره منور برای دل‌های آنان آشکار بشود، عقیده آنها و گرایش آنها نسبت به اسلام و معنویت اسلامی تضمین خواهد شد. ما باید روی این مسأله کار کنیم. بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام شاید همین باشد که ما چهره پیامبر اسلام را برای بینندگان و جویندگان عالم روشن کنیم. بسیار به جاست، قبل از آن که دشمنان و مخالفان با روش‌های فرهنگی پیچیده خودشان و با شیوه‌های هنری، چهره آن بزرگوار را در اذهان مردم بی‌خبر عالم مخدوش کنند، مسلمانان عالم، هنرمندان مطلع و وارد به شیوه‌های گوناگون بیان، تبلیغ و تبیین، راجع به آن شخصیت معظم و مکرم کار عملی، فرهنگی، هنری و تبلیغی بکنند. اینها کارهای لازمی است (همان: ۷۵).

۱۲-۴) تنظیم تعامل مؤثر فرهنگ و سیاست

نهایت دفاع در حوزه فرهنگ سیاسی بالا بردن سطح مشارکت، انسجام و پیوستگی میان احزاب در راستای هم‌افزایی در تمام عرصه‌ها است. سیاست در اصطلاح، تعاریف مختلفی یافته است و ارائه یک تعریف جامع و مانع از آن امری سهل و ممتنع است، اما در جمع‌بندی، سیاست به معنی مدیریت کلان دولت و راهبرد امور عمومی در جهت مصلحت جمعی و انتخاب روش‌های بهتر در اداره شئون کشور، یا علم اداره یک جامعه متشکل و یا هنر تمشیت امور مردم در رابطه با دولت، آمده است که ارتباط با زندگی انسان‌ها دارد (عمیدزنجانی، ۱۳۷۴: ۶۵).

برخی نظریه‌های متأخر، فرهنگ‌های سیاسی را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

- فرهنگ "محدود" با ویژگی‌های محلی و سرسپردگی مطلق به قدرت؛

- فرهنگ "انقیادی" با ویژگی‌های آگاهی ملی و اطاعت‌پذیری؛

- فرهنگ "مشارکت" که دارای ویژگی‌های آگاهی ملی، آزادی‌های فردی و مشارکت آگاهانه در امور سیاسی و حکومتی است.

به عقیده این گروه فرهنگ سیاسی مطلوب، آمیزه‌ای از سه نوع بالا است که در آن شهروندان در تصمیم‌ها شرکت می‌جویند و فرهنگ سیاسی دموکراتیک آن منعکس‌کننده اعتقادات، بینش‌ها، هنجارها و شیوه استنباط‌هایی است که مشارکت را تأیید و ترغیب می‌کند (Almanel, ۱۹۹۷: ۶).

مشارکت سیاسی مردم را می‌توان فرایند شرکت مردم انتخاب مسئولین نام نهاد. کشور ایران به دلیل دارا بودن نظام مردم‌سالاری دینی، سهم بسزایی را به مردم برای انتخاب مسئولان داده است؛ بنابراین تعدادی از مسئولان توسط رأی مستقیم مردم و تعدادی نیز به صورت غیر مستقیم از طرف نمایندگان مردم برای ادای وظیفه انتخاب می‌شوند.

روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد (فرهنگ و تهاجم فرهنگی: ۲۷۲).

۱۴-۴) تنظیم تعامل مؤثر اقتصاد و فرهنگ

در اقتصاد امروز دنیا، شاخص‌های مختلفی محاسبه می‌شوند که هر یک می‌تواند به نوعی بخشی از وضعیت اقتصادی یک منطقه یا کشور یا گروهی از مردم را به نمایش گذارد. این مسأله عاملی در جهت بهبود ارزیابی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده در خصوص توانایی‌ها و امکانات اقتصادی آن منطقه است. تورم، نتایج و آثاری چون آثار حقوقی - سیاسی - روانی، اثر بر تولید و... دارد.

ریشه بسیاری از این عوامل ایجاد تورم می‌تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم با فرهنگ در ارتباط باشد (سرآبادانی، ۱۳۶۸: ۴۰۱). کاسون می‌گوید: اقتصاد در حال کنار آمدن با فرهنگ است (Throsby, ۲۰۰۱: ۹۱).

توجه مستمر به نیازهای انسان‌ها و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای رشد و تعالی آنان، همواره مورد توجه امام خامنه‌ای بوده است. ایشان با بهره‌گیری از سیره ائمه معصومین بین مشکلات اقتصادی جوانان و حفظ دین، رابطه مستقیم برقرار می‌نمایند. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه فرموده است: «بیم آن است که فقر به کفر انجامد» (نهج‌الفصاحه: حدیث: ۲۱۱۴) و نیز «اگر نان نبود نماز نمی‌خواندیم، روزه نمی‌گرفتیم، و واجبات دین خدای تعالی را ادا نمی‌کردیم» (حکیمی، ۱۳۷۰: ۲۴۱). در بیانی دیگر نیز به اهمیت اقتصاد و معیشت مردم متذکر شده و هشدار می‌دهند که مردم را فقیر نگردانید که در این صورت آنان را به کفر خواهد کشاند (همان: ۲۳۷).

در این رابطه نیز حضرت امام خامنه‌ای با پیروی از سیره عملی و نظری ائمه معصومین در جای جای سخنان خویش با طیف عامه مردم و مسئولان به اهمیت موضوع اقتصاد و ارتباط و تأثیرگذاری آن بر فرهنگ عمومی مردم اشاره‌هایی داشتند.

۱۵-۴) قطع وابستگی فرهنگی

مارشال هاجسون، در خصوص جایگاه فرهنگ اسلامی در سیر تحول سبک زندگی و نوع نگاه غرب می‌نویسد:

مسلمان‌ها تقریباً چیزی که به نظرشان ارزش فراگیری داشته باشد در غرب نیافتند، با وجود اینکه آنها از کشورهای دورتر چین در اوایل قرون وسطی تکنیک‌هایی اخذ می‌کردند و گاهی هم افکار انتزاعی از آنها می‌گرفتند. در مقابل، غربی‌ها رفتارها و مفاهیم فرهنگی متنوعی را از مسلمانان اخذ و جذب کردند، و این عناصر اهمیت فوق‌العاده‌ای برای رشد فرهنگ غرب داشتند. این وام‌گیری اساساً به سبب قدرت برتر فرهنگ اسلامی بود (هاجسون، ۱۹۷۴، ج ۲: ۳۶۲).



نمودار رابطه سازگاری و انسجام و کارایی نظام فرهنگی

رهبر معظم انقلاب در این راستا و در قطع وابستگی فرهنگی بیان می‌دارند که: باید جبهه فرهنگی و سنگرهای فرهنگی به وجود بیاید و امروز، روز کار است و همه باید کار کنند. امروز، روزی است که همه آن کسانی که استعداد دارند باید در زمینه فرهنگی کار کنند و کارهای نشده هم زیاد است. این آن چیزی است که مورد خطاب من به همه اهل فکر، فرهنگ، هنر، ادب، دانش و معلومات و معارف است (کتاب فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۴: ۱۶).

۱۶-۴) فناوری‌های نوین و علوم در خدمت دفاع فرهنگی

اغلب انسان‌ها به فناوری به عنوان یک رفیق قابل اعتماد می‌نگرد. این موضوع به دو دلیل است؛ دلیل نخست اینکه تکنیک و صنعت، زندگی را آسان‌تر، تمیزتر و طولانی‌تر می‌سازد. دلیل دوم اینکه تکنیک از مدت‌ها قبل و از همان آغاز رابطه‌ای بسیار نزدیک و در عین حال انعطاف‌ناپذیرتر از فرهنگ داشته است. به دلیل همین نزدیکی و اثرگذاری، بررسی تأثیر فناوری در فرهنگ چندان ضروری به نظر نمی‌رسیده است (پستمن، ۱۳۸۰: ۴۴).

فناوری، مجموعه‌ای از روش‌ها و تجربیات و علوم عملی است که مردم برای تسلط بر محیط و حل مشکلات مربوط به رابطه‌شان با محیط به کار می‌برند. فناوری یکی از خصیصه‌های فرهنگی زیربنایی انسان است که برای مؤثر بودن، باید با انسان هماهنگی داشته باشد (Bernard, ۲۰۰۵: ۹۶).

جامعه‌شناسان به رابطه فرهنگ و فناوری توجه ویژه‌ای کرده‌اند. این مسأله مورد توجه صاحب‌نظران مدیریتی نیز قرار گرفته است. در حوزه کشورهای جهان سوم گفته شده است که فهم نادرست آنها از رابطه فرهنگ و فناوری موجب شده است تلاش کافی از سوی این کشورها در هنگام انتقال فناوری برای بومی نمودن فناوری وارداتی با نیازها و مناسبات خاص خود صورت نگیرد و در نتیجه گسیختگی در نظام فرهنگی- اجتماعی ایجاد کند (فاضلی و فاضلی، ۱۳۶۷: ۷۳). یکی از جنبه‌های مهم رابطه فرهنگ و فناوری، رابطه بین فناوری اطلاعات و فرهنگ است که آثار اجتماعی عظیمی بر جامعه دارد.

فناوری‌ها باعث ارتباطات سریع می‌شوند، اطلاعات را مبادله می‌کنند که فی‌نفسه منبع ایجاد قدرت است؛ از آنجا که این فناوری‌ها امکان ناشناس ماندن تولیدکننده اطلاعات، تعامل‌پذیری، بازتولیدپذیری و کنترل‌ناپذیری اطلاعات را فراهم می‌آورند (موحدی و عباسی، ۱۳۸۳: ۸۲۱)، می‌توانند آثار ناخواسته فرهنگی به وجود آورند که موجب مشکلات فرهنگی گوناگونی شود. این نگرانی به ویژه در مورد رسانه‌های گروهی، ماهواره‌ها و اینترنت شدیدتر است.

فناوری یکی از ویژگی‌های زیربنایی انسان است که برای مؤثر بودن باید با انسان هماهنگی داشته باشد (Bernard, ۲۰۰۵: ۹۶).

باید تلاش کرد تا علوم انسانی را بر پایه‌های اسلامی با دید اسلامی و با تفکر مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی تدوین کنیم. اگر پولی لازم دارد صرف بشود و اگر تربیت افراد لازم است این کار را انجام بدهیم (فرهنگ و تهاجم فرهنگی: ۳۵۷).

اگر جامعه‌ای با معلومات باشد مقاومت آن جامعه در مقابل دشمن زیاد می‌شود. اگر جامعه‌ای نسبت به علم حساسیت داشته باشد وقتی با کشورها و ملت‌های دیگر ارتباط برقرار کند اول سعی می‌کند علم آنها را بگیرد (همان: ۱۷).

ما باید روح علمی و علم‌گرایی را در همه سطوح در جامعه به وجود بیاوریم، این علم‌گرایی چیز بسیار مهمی است (همان: ۲۵).

جمله زیبای امام خامنه‌ای در خصوص بهره‌گیری از علم و ارتباط آن با حوزه فرهنگ جای تأمل دارد، مبنی بر اینکه «حالا این را می‌خواهم به شما عرض بکنم که مسئولیت این شورا به خاطر اهمیت و سنگینی مسأله فرهنگ و علم، مسئولیت سنگینی است؛ متها ثقل اکبر در اینجا فرهنگ است؛ چون هم خود علم و آموزش و هم جهت‌گیری و کیفیت و رویکردهای مختلف آن، تحت‌تأثیر فرهنگ عمومی جامعه است» (۱۳۸۴/۱۰/۱۳).

۱۷-۴) استفاده بهینه از هنر

مهم‌ترین ابزار مقابله با تهاجم فرهنگی - که همچون روحی باید در کالبد تمام اقدامات و فعالیت‌ها در زمینه مقابله با تهاجم فرهنگی دمیده شود - استفاده مؤثر از هنر است. مهم‌ترین عامل توسعه فراگیر رویکرد و تفکر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی غرب در جهان، این است که از هنر به عنوان پشتوانه تفکر خود استفاده نموده است؛ بنابراین چنانچه در کشور ما روند فعلی ادامه یافته و از هنر نه تنها در راستای تعمیق و گسترش اهداف انقلاب و اسلام استفاده نشود، بلکه در راستای تضعیف ارزش‌های دینی به کار گرفته شود، امیدی به بقا و ماندگاری تفکرات دینی در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نخواهد بود.

ما باید این را باور کنیم که عمق و گسترش انقلاب، هم در داخل و هم در خارج از این مرزها، فقط و فقط با هنر امکانپذیر است و لاغیر (همان: ۳۲۱).

ما از لحاظ هنر عقب هستیم. دنیا از ابزار هنر علیه انقلاب به شدت استفاده می‌کند (همان: ۴۰۱) و در این راستا بر بسیج تمام هنرمندان تأکید دارند که لازم است در میان ادبا، روشنفکران، نویسندگان، شعرا، هنرمندان، سینماگران و

دانشمندان و اساتید یک بسیج عمومی برای مقابله با جریان تهاجم فرهنگی که دشمن هدایت می‌کند انجام بگیرد (همان: ۱۶).

اگر این انقلابی که با هزاران زبان از سال ۱۳۴۱ در بیانات حضرت امام - رضوان الله علیه - چه با شکل خطابه و درس و چه با افکار فلسفی و با نظرات فقهی ارائه شده در قالب هنر عرضه نشود، برای نسل‌های آینده بیگانه خواهد بود (همان: ۳۱۹).

۱۸-۴) تأکید بر سبک زندگی اسلامی

باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُن‌مایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُن‌مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم (۱۳۹۱/۷/۲۲).

مرتب به ما می‌گویند: آقا، الگوی زندگی اسلامی را بگویید. این کار را کجا باید بکند؟ این کار حوزه است. حوزه باید مراکز متعدد تحقیقاتی داشته باشد تا در تمام این زمینه‌ها مثل یک مجموعه تولیدی مرتب و مدرن کار کند و محصول بدهد تا چنانچه دستگاه در مورد مسأله‌ای دچار سؤال شد پاسخ کامل شرعی و قانونی دریافت کند؛ مثلاً فرض کنید مسأله زمین، مسأله موسیقی، در یک چهارچوب وسیع‌تر در باب سیستم اقتصادی، روابط خارجی، ارتباط با ملت‌ها و مسائلی از این نوع، در باب مسائل پولی کشور، ارزش‌های کارگزاران حکومت و صدها مسأله از این قبیل که همواره هر دستگاهی با این سؤالات از لحاظ مبنایی مواجه است که ما بر چه اساسی قانون بگذرانیم؟ بر چه اساسی مقررات اداری بگذاریم؟ بر چه

اساسی عمل بکنیم که تا کسی مواجه با سؤالی شد بداند، یک مرکز در یک جا هست و این سؤال را به او جواب می‌دهد. یعنی یک کارگاه ایدئولوژی و مرکز ایدئولوگ‌ها حوزه علمیه قم است. در تصویر مطلوب و ایده‌آلی حوزه، یک چنین چیزی است. البته تاکنون همان طور که عرض کردیم مستقیماً این نقش را حوزه به عهده نگرفته است (فرهنگ و تهاجم فرهنگی: ۲۶۸).

۱۹-۴) خودباوری در سایه فرهنگ

اصولاً خصیصه خودباوری و اعتماد به نفس، که اساس استقلال کشور را تشکیل می‌دهد، در حوزه فرهنگ یک جامعه تبلور می‌یابد. انسان تا خود را باور نکند، هرگز به استعداد و توانمندی‌های ذاتی خود اطمینان پیدا نمی‌کند و به دلیل عدم اعتماد به خود، جرأت و جسارت دست‌یازی به کارهای عظیم را ندارد و ادامه زندگی و پیشرفت را، تنها با تکیه بر دیگران می‌داند. کشورهای استکباری نیز به منظور غارت منافع کشورهای جهان سوم، همواره با تبلیغات گستره به آنان القا کرده‌اند که بدون وابستگی و کمک کشورهای قدرتمند، قادر به ادامه حیات نیستند. در واقع این کشورها روحیه اعتماد به نفس را از کشورهای عقب نگه داشته‌شده گرفته، آنها را مرعوب فرهنگ و تمدن خویش ساخته‌اند. اگر فرهنگ یک جامعه نتواند هویت از دست‌رفته و حس اعتماد و خودباوری را در دل و جان مردم خود بدمد، هیچ‌گاه هیبت و نخوت قدرت‌های بزرگ درهم شکسته نخواهد شد و وابستگی و اسارت، همواره میراث ملی و فرهنگی کشورهای ضعیف را به یغما خواهد برد.

ما باید به خودمان متکی باشیم. باید به سرمایه‌های علمی و استعداد و توانایی‌های مادی و ذخایر زیرزمینی خودمان تکیه کنیم. البته نباید راه داد و ستد را ببندیم، اما تسلیم و مقهور قدرت دشمن هم نباید بشویم (فرهنگ و تهاجم فرهنگی: ۲۳)

۲۰-۱) جلوگیری از ترویج پیروی مطلق از شهوات

ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه‌ای آمده که سر حسین بن علی (ع)، آقازاده اول دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین علی بن ابی طالب (ع)، در همان شهری که پدر او بر مسند خلافت می‌نشسته است گردانده شد و آب از آب هم تکان نخورد. باید ببینیم چگونه از همان شهر، افرادی آمدند به کربلا و او و اصحابش را با لب تشنه به شهادت رساندند و حرم امیرالمؤمنین (ع) را به اسارت گرفتند. ... قرآن جواب ما را داده است. قرآن درد و بیماری را به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيًّا». دو عامل از عوامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن صلات و نماز است؛ یعنی فراموش کردن خدا و معنویت و جدا کردن حساب معنویت از زندگی و فراموش کردن توجه، ذکر، دعا، توسل و طلب توفیق از خدای متعال و توکل بر خدا و کنار گذاشتن محاسبات خدایی از زندگی، و عامل دوم «اتبعوا الشهوات» است؛ یعنی دنبال شهوت‌رانی‌ها و هوس‌ها و در یک جمله دنیاطلبی رفتن و به فکر جمع‌آوری ثروت و مال بودن، به دام شهوات دنیا افتادن و اصل دانستن اینها و فراموش کردن آرمان‌ها. این درد اساسی و بزرگ است و ما هم ممکن است به این درد دچار بشویم (همان: ۲۲۰).

ایشان خطاب به روحانیون در اجتناب از زخارف دنیا فرمودند: روحانیون به تقوا، ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشم‌ها شیرین شدند. بدون ورع و بدون دور انداختن دنیا نمی‌شود در چشم‌ها شیرین شد (همان: ۳۰۹).

۵- نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی فرهنگی بود. این انقلاب چون انفجار نوری در سرتاسر جهان ساطع شد به نحوی که پیام آن برای تمام انسان‌های حق‌جو ارسال و

به مرور زمان دریافت شد. انقلابی با چنین عظمتی که خود پیام‌آور ظلم‌ستیزی و مبارزه با هر نوع بی‌عدالتی بوده و هست از بدو حیات تاکنون با دشمنان متعددی در ابعاد و عرصه‌های مختلف روبه‌رو است. گاه در زمانی به حذف فیزیکی و ترور اندیشمندان پایه‌گذار انقلاب دست زده و گاه به ترور اندیشه‌ها در قالب هجمه فرهنگی در مبادی و مبانی فرهنگی و ارزشی اسلامی- ایرانی اقدام نموده و این سیر همچنان ادامه دارد.

در این نوشتار سعی کردیم به زوایای مختلف دیدگاه‌های امام خامنه‌ای (مدظله) در خصوص دفاع فرهنگی اجتماعی نظر افکنیم و نتایجی که از تحلیل محتوای بیانات این امام با توجه به بضاعت ناچیز نویسندگان از خرمین بی‌کران نصیب شد به شرح زیر بوده است:

عرصه‌های حضور و بروز فرهنگ از منظر ایشان عبارتند از؛ در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است، به عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است و فرهنگ، سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است.

راهبردهای عمده ایشان در دفاع از فرهنگ اسلامی ایرانی عبارت بوده است از:

تبیین ترویج فرهنگ دفاع مقدس، درک و هشدار به موقع در خصوص تهدید فرهنگی، اهمیت دفاع فرهنگی- اجتماعی، مقابله با تهاجم فرهنگی، تحلیل درست از تهاجم فرهنگی، جهاد فرهنگی، توجه به تعامل فرهنگی تا ستیز فرهنگی، برنامه‌ریزی دقیق در عرصه فرهنگی با تأکید بر نگرش سیستمی، نقش روحانیت و حوزه‌های علمیه و مبلغان فرهنگی، نقش جوانان، نقش زن مسلمان، نقش و جایگاه خانواده، معرفی صحیح احکام اسلام و نقش فرهنگ اسلامی، دین‌باوری و محوریت دین در اقدامات فرهنگی، فرهنگ و سیاست، اقتصاد و فرهنگ، قطع

وابستگی فرهنگی، فناوری و دفاع فرهنگی، تأکید بر علم در حوزه فرهنگ، استفاده بهینه از هنر، تأکید بر سبک زندگی اسلامی، خودباوری در سایه فرهنگ، ارائه سیره نظری و عملی اهل بیت (ع) و در نهایت جلوگیری از ترویج پیروی مطلق از شهوات.

تحقیق و قلم‌فرسایی در خصوص بیانات مقام عظمای ولایت به عنوان محور و راهبر اندیشه‌ها باید مدنظر اندیشمندان و محققان محترم حوزه و دانشگاه قرار گیرد. در این بین توصیه می‌شود تا در تفکیک صحیح و محوربندی کردن کلام ایشان و از حوزه مفاهیم کلیدی به سوی نظام‌مند کردن در عرصه کاربردی اقدام عاجل صورت گیرد.

کتابنامه

- ۱- پیروزمند، علیرضا، تعیین الگو و طبقه‌بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی کشور (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی)، ۱۳۸۲.
- ۲- جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۳- پیگولوسکا، و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا سده هیجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام، ۱۳۵۴.
- ۴- حکیمی، محمدرضا، کلام جاودانه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۵- شعبانی، رضا، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نشر قومس، ۱۳۶۹.
- ۶- گی‌روشه، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۷۰.
- ۷- نهج‌الفصاحه، گردآوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۰.
- ۸- واگو، استفان، درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی، ترجمه احمدرضا غروری زاده، تهران: موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ۹- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
- ۱۰- روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تألیفی در انسان شناسی فرهنگی و مردم شناسی، تهران: نشر عطارد، ۱۳۷۲.
- ۱۱- ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
- ۱۲- شعاری نژاد، علی‌اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴.

- ۱۳- محسینان راد، مهدی، ارتباط‌شناسی؛ ارتباطات انسانی...، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
- ۱۴- اینگلهارت، رونالد، "تحولات فرهنگی"، مریم وتر، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۲.
- ۱۵- پستمن، نیل، تکنوپولی (تسلیم فرهنگ به فناوری)، ترجمه صادق طباطبایی، انتشارات روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۰.
- ۱۶- حسینی، ابراهیم، بررسی سیاست‌های فرهنگی در نگاهی مقایسه‌ای، مجموعه مقالات مطالعه فرهنگی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- ۱۷- رفیع‌پور، فرامرز، "توسعه و تضاد"، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- ۱۸- سرآبادانی، غلامرضا، "تورم، عوامل و راه‌کارهای مقابله با آن در ایران"، نشریه اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۱۹- صالحی امیری، رضا. چاوش‌باشی فرزانه، "الزامات الگوی مدیریت فرهنگی در ایران"، مجموعه مقالات مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۹.
- ۲۰- عمید زنجانی، عباسعلی، "مبانی اندیشه سیاسی"، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۲۱- موحدی، مسعود. عباسی، مسعود، "فناوری اطلاعات و فرهنگ"، تهران: فصلنامه مطالعات مدیریت، ش ۲۴-۱۴، ۱۳۸۱.
- ۲۲- فرهنگ و تهاجم فرهنگی برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.

۲۳- در محضر ولایت، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه، ۱۳۷۸.

24- Fischer, Nancy L., "Forword", in Gary R., weaver, Culture, Communication and Conflict: Readings in Intercultural Relations, 1996.

25- Kuper, Adam, Jessica Kuper, The Social Science Encyclopedia, London, Routledge and Kegan paul, 1985.

26- Moon, Dreema G., "Concepts of Culture: Impilications for Intercultural Communication Research", Communication Quarterly, Vol. 44, No. 1, 1996.

27- Mowlana. Hamid, Global Communication in Transition, The End of Diversity?, London, Sage, 1996

28- ———, Global Information and World Communication, London, Sage, 1997

29- O'Sullivan, Tim, John Hartley, Danny Saunders, Martin Montgomery and John Fiske, Key Concepts in Communication and Cultural Studies, London, Routledge, 1994.

30- Prosser, Michael H., "Intercultural Communication Theory and Research: An Overview of Major Constructs", in B.O., Ruben, Communication Yearbook 2, Transaction Press, 1978.

31- Rohrllich, Paul Egon, "Why Do We Study Intercultural Communication?" International Journal of Intercultural Relations, II, 1987.

32- Samovar. Larry A., Richard E. Porter, Intercultural Communication: A Reader, Belmont, Wadsworth, 1994.

33- ———, Communication Between Cultures, Belmont, Wadsworth, 1995.

34- Weaver, Gary R., "Preface", in Gary R., Weaver, Culture, Communication and Conflict: Readings in Intercultural Relations, 1996(a)

- 35- Geldern, Heine; Cultural Diffusion, The Encyclopedia of The Social Sciences, 1972.
- 36- Hodgson, Marshall G.S, The Venture of Islam, Conscience and History in a World Civilization. University of Chicago Press, 1974
- 37- Kroeber, Alfred L. Diffusionism, ed. A. Etzioni, Basic Books, In Social Change.